

۱۲۸۸ش؛ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، ۱۳۵۵ش؛ قطان غزنوی، ابومنصور سعید بن محمد، سراج‌القلوب، به کوشش نامیرکارا خلیلوویچ، تهران، ۱۳۸۴ش؛ مشار، خانابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، ۱۳۵۲ش؛ همو، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، تهران، ۱۳۴۳ش؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۴۹ش؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۶۳ش؛

Blochet, E., *Catalogue des Manuscrits Persans*, Paris, 1928; Rieu, Ch., *Catalogue of the Persian Manuscripts*, Berlin, 1879.

فرزانه رشیدی

قهرمان، محمد. شاعر و مصحح متون سبک هندی. در سال ۱۳۰۸ش در تربیت‌حیدریه به دنیا آمد. پدرش، محمدصادق، نواده قهرمان میرزا، و او پسر حسنعلی میرزای شجاع‌السلطنه، فرزند فتحعلی‌شاه قاجار، بود. نسب او از سوی مادر به محسن میرزا ظلی، یکی دیگر از نوادگان فتحعلی‌شاه، می‌رسید. او دوره ابتدایی و متوسطه را در مشهد و تهران سپری کرد و در سال ۱۳۲۶ش در دبیرستان شاه‌رضای مشهد با مهدی اخوان ثالث* همکلاس و دوست شد و، از همان زمان، با او در انجمنهای ادبی خراسان از جمله انجمن ادبی فرخ حضور یافت. در سال ۱۳۲۸ش در تهران دیپلم ادبی گرفت و برای ادامه تحصیل به دانشکده حقوق رفت، اما چون به دروسهای آن علاقه نداشت، دوره سه ساله را در شش سال به پایان برد و چهار سال بعد رساله خود را تحویل داد، و در نتیجه، در بهار ۱۳۳۸ش به‌طور رسمی از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. در مهرماه ۱۳۳۹ش به استخدام بانک عمران درآمد، ولی، یک سال بعد، در آذرماه ۱۳۴۰ش، به پایمردی علی‌اکبر فیاض*، از آنجا به دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد انتقال یافت و در کتابخانه دانشکده مشغول به کار شد. از اواخر سال ۱۳۳۹ یا اوایل سال ۱۳۴۰ش، با گروهی از دوستان شاعرش، «انجمن ادبی قهرمان» را پایه‌گذاری کرد و خود «سرسلسله آنان و شمع جمع» ایشان شد (یوسفی، ص ۷۶۶). اهمیت این انجمن، که از آن ایام تا اندکی پیش از درگذشت قهرمان، هر سه‌شنبه در خانه او برگزار می‌شد، چندان بود که بزرگان ادب و فرهنگ ایران زمین، به هنگام حضور در مشهد، در آن شرکت می‌جستند؛ شفیعی کدکنی (ص ۱۲) آن را «دانشکده ادبیات واقعی خراسان» می‌نامید. قهرمان در سال ۱۳۶۷ش، به خواست خود، بازنشسته شد و با

در پایان فصل سوم، فصلی، از روی نسخه موجود در کتابخانه عمومی بایزید استانبول به شماره ۳۷۰۳، به کتاب افزوده شده است که در «صفت فاتحه‌الکتاب» است (قطان غزنوی، ص ۱۴۵-۱۴۶). این فصل احتمالاً افزوده‌ای از سوی کاتبان است، زیرا در بقیه نسخه‌های موجود نیامده است.

قطان برای تألیف این کتاب از منابع مختلفی مانند قرآن کریم، کتب احادیث، کتب تفسیر، مانند جامع‌التفسیر فی تفسیر القرآن طبری، تفسیر کشف‌الاسرار و ترجمه تفسیر طبری و کتب تاریخ بهره برده است. قطان، علاوه بر استفاده از کتب تاریخی فارسی، به کتابهای تاریخی عربی مانند مروج‌الذهب و تاریخ یعقوبی توجه داشته است (خلیلوویچ، همان، ص ۲۰). همچنین از کتابهای قصص الانبیاء مانند قصص قرآن مجید سورآبادی استفاده کرده است (همان، ص ۱۶-۱۷؛ شریف‌نسب، ص ۱۴۱). ظاهراً او در تألیف این اثر به کتب کلامی عنایت چندانی نداشته، ولی، با توجه به سخنانی که در باب منکر و نکیر و پل صراط آورده است، می‌توان مشابهتهایی بین این فصول با احیاء‌العلوم غزالی یافت که نشان‌دهنده توجه او به این کتاب بوده است (نک: خلیلوویچ، همان، ص ۲۲).

یکی از مهم‌ترین منابعی که قطان از آن بهره بسیار برده است اسرائیلیات است که از دیدگاه بسیاری از محققان جای بحث دارد؛ با توجه به فصل پایانی کتاب که آمیخته به افسانه و اسطوره است، می‌توان گفت که مؤلف به اسرائیلیات و ادبیات تخیلی نظر داشته است که این خود حاکی از علاقه مسلمانان آن زمان به اسطوره‌پردازی و افسانه و خرافه است (قطان غزنوی، ص ۱۳۵ به بعد).

این کتاب نخستین بار در سال ۱۲۹۵ش، همراه با کتاب اربعین جامی و رساله کنزالرموز، در تهران چاپ شده است. پس از آن، در سال ۱۳۸۴ش به کوشش نامیرکارا خلیلوویچ، پژوهشگر اهل بوسنی، براساس قدیم‌ترین نسخه آن، که در موزه بریتانیایی لندن نگهداری می‌شود، همراه با مقدمه و تعلیقات، در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسید.

منابع: آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ خلیلوویچ، نامیرکارا، «بایسته‌ها و شایسته‌های تحقیق: سراج‌القلوب»، آینه میراث، ش ۱۵، تهران، ۱۳۸۰ش؛ همو، «مقدمه»، نک: قطان غزنوی؛ درایتی، مصطفی، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران، ۱۳۸۹ش؛ رحمتی، محمدکاظم، «نقد و بررسی کتاب: اثری کهن از میراث غلات»، کتاب ماه دین، ش ۱۲۰-۱۲۲، تهران، ۱۳۸۶ش؛ شریف‌نسب، مریم، «نقد و معرفی کتاب سراج‌القلوب»، معارف، ش ۶۷، تهران،

شعر محلی تربتی خراسان» داده‌اند (افضلی، ص ۶۹). او، در همه قالبها، اشعار محلی سروده است، اما غزل محلی او گیرایی و شهرت بیشتری دارد و سرشار از طرفه‌کاریها، مضامین تازه و تصاویر بکر است و استحکام، لطافت، سادگی و روانی ویژگی بارز و شاخص آن است (همان‌جا). تعدادی از اشعار محلی او در کتابهای فریادهای تربتی (۱۳۸۳ش)، دم در بسند عشق (۱۳۸۷ش) و خدیجی خدای خدوم (= «با خدای خودم»، ۱۳۸۸ش) انتشار یافته است.

قهرمان، هم‌زمان با کار در کتابخانه، مطالعه درباره شاعران سبک هندی را آغاز کرد و از سال ۱۳۵۷ش به استنساخ و تصحیح دیوان صائب پرداخت که نخستین جلد آن در سال ۱۳۶۴ش منتشر شد. در سالهای بعد، علاوه بر تکمیل تصحیح دیوان صائب (۱۳۶۴-۱۳۷۰ش)، شماری از دواوین شاعران دوره صفوی را تصحیح و منتشر کرد که عبارت‌اند از: دیوان صیدی تهرانی (۱۳۶۴ش)، دیوان کلیم همدانی (۱۳۶۹ش)، دیوان ناظم هروی (۱۳۷۴ش)، دیوان حاجی محمدجان قدسی مشهدی (۱۳۷۵ش)، دیوان میرزای دانش مشهدی (۱۳۷۸ش)، دیوان میرزا قلی میلی مشهدی (۱۳۸۳ش)، ارغوان‌زار شفق (برگزیده دیوان طغرای مشهدی) (۱۳۸۴ش)، دیوان محمدقلی سلیم تهرانی (۱۳۸۹ش). گزیده‌هایی نیز فراهم آورد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مجموعه رنگین گل (گزیده اشعار صائب تبریزی) (۱۳۷۱ش)، برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای سبک هندی (۱۳۷۶ش)، صیادان معنی (برگزیده اشعار سخنسرایان شیوه هندی) (۱۳۷۸ش) و خلوت خیال (غزلیات و ابیات برگزیده مولانا صائب تبریزی) (۱۳۸۱ش). این همه سبب شده است که او نه تنها در ایران، بلکه در جهان فارسی‌زبان، در قلمرو سبک هندی و شعر دوره صفوی شهرت یابد و نامش در زمره سرآمدان پژوهش در این حوزه تثبیت شود (شفیعی کدکنی، ص ۲۵؛ یاحقی، ص ۳۴۹). از او آثار دیگری نیز بر جای مانده است که عبارت‌اند از: تجلی امام علی (ع) در شعر طغرای مشهدی (۱۳۸۲ش)، ملایح رضوی و چند شعر دیگر به لهجه مشهدی از یوسف ازغدی (۱۳۸۴ش) و با یادهای عزیز گذشته (ده نامه از مهدی اخوان ثالث به محمد قهرمان) (۱۳۸۴ش). همچنین او مجموعه اشعار دو یار قدیمی خود، غلامرضا قدسی و احمد کمال‌پور، را به ترتیب با نام نغمه‌های قدسی (۱۳۷۰ش) و گلشن کمال (۱۳۷۲ش) منتشر کرد. علاوه بر اینها، او نظارت علمی بر تصحیح عرفات‌العاشقین

فراغت بیشتر فعالیتهای ادبی و پژوهشی خویش را پی گرفت (افضلی، ص ۳۳-۴۲؛ قیامی میرحسینی، ص ۲۹۴-۳۰۱؛ قهرمان، ص ۱۰-۴۱).

کارنامه ادبی و پژوهشی قهرمان از سه جنبه اهمیت دارد: شاعری به‌ویژه غزل‌سرایی، سرودن اشعار محلی و تصحیح متون سبک هندی.

نخستین شعر رسمی محمد قهرمان در سال ۱۳۲۷ش در روزنامه آزادی و پس از آن در مجلاتی چون فرهنگ خراسان، ارمنان، روشنفکر، هیرمند، یغما، سخن، خاوران، کتاب‌پاژ، نگین، کلک و بخارا به چاپ رسیده است (یاحقی، ص ۳۵۰). او در همه انواع شعر، از غزل و قصیده گرفته تا مثنوی و رباعی، طبع آزمایی کرده و در همه آن قالبها، اشعار خوبی نیز از خود به یادگار گذاشته است. با این همه، عمده شهرت او به سبب سرودن غزل به شیوه سبک هندی، به‌ویژه شاخه ایرانی آن (سبک اصفهانی) با محوریت شعر صائب است. البته او در سالهای پایانی عمر، به سرودن غزل به شیوه مکتب وقوع گرایش پیدا کرده بود (بینا، ص ۵۶-۵۷). مهم‌ترین ویژگی غزل قهرمان «ابداع مضمونهای تازه، تصویرگری، نازک‌خیالی» (یوسفی، ص ۷۶۹) و دوری از پیچیدگی و تعقید است و آرایه‌هایی چون حسن تعلیل، تشخیص، ارسال‌المثل و اسلوب معادله در آن به‌وفور دیده می‌شود (افضلی، ص ۵۸-۶۵). او در شعر نو نیز دستی داشت، اما چون دلبسته غزل بود، آن را جدی نمی‌گرفت، با این حال، از همین مقدار شعری که به شیوه نو سروده است، می‌توان به توانایی و مهارت او در سرودن شعر نو پی برد (همان، ص ۴۷). قهرمان شعر طنز نیز می‌سروده که تعداد کمی از آنها منتشر شده است. او در این اشعار، واقعیتهای تلخ اجتماعی را با ایهام و طنز نیشدار بیان کرده است (همان، ص ۸۲، ۸۶). بعد از درگذشت اخوان ثالث به سرودن ترانه نیز روی آورد و اتفاقاً نخستین ترانه خود را در سوگ او سرود (همان، ص ۸۹-۹۰). مجموعه‌ای از اشعار قهرمان در کتابهای حاصل عمر (۱۳۸۴ش)، روی جاده ابریشم شعر (۱۳۹۱ش) و به خط روشن عشق (۱۳۹۲ش) منتشر شده و ترانه‌ها و تصنیفهای او در کتاب فرشته مهر (۱۳۹۶ش) فراهم آمده است.

قهرمان در سرودن اشعار محلی کم‌نظیر و زیبانه بود. او محلی‌سرایی را از سال ۱۳۲۴ش آغاز کرد و در پی تشویق ملک‌الشعراى بهار* در سال ۱۳۲۷ش، سرودن این‌گونه شعر را جدی گرفت و تا آخر عمر ادامه داد تا آنجا که به او لقب «پدر

ش ۱۳، فروردین ۱۳۷۰ش؛ همو و محمدجعفر یاحقی، پردگیان خیال (ارجنامه محمد قهرمان)، مشهد، ۱۳۸۴ش؛ قهرمان، محمد، با یادهای عزیز گذشته (ده نامه از مهدی اخوان ثالث به محمد قهرمان)، تهران، ۱۳۸۴ش؛ قیامی میرحسینی، جلال، ده چهره، ده نگاه، مشهد، ۱۳۷۷ش؛ یاحقی، محمدجعفر، «کارنامه دل و جان»، بخارا، ش ۴۶، آذر و دی ۱۳۸۴ش؛ یوسفی، غلامحسین، چشمه روشن، تهران، ۱۳۷۹ش.

سلمان ساکت

و عرصات‌العارفین (۱۳۸۹ش) را نیز برعهده داشت. از او تعدادی مقاله علمی نیز در نشریات به چاپ رسیده است (نک: شفیعی کدکنی و یاحقی، ص ۱۵).

محمد قهرمان سرانجام در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۲ش در مشهد چشم از جهان فرو بست و در مقبره الشعراي طوس به خاک سپرده شد.

منابع: افضل، رضا، شناختنامه محمد قهرمان، مشهد، ۱۳۸۴ش؛ بینا، یوسف، چراغ شعر، مشهد، ۱۳۹۵ش؛ شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه‌ها، تهران، ۱۳۸۵ش؛ همو، «در بازخوانی سنتها»، کلک،